



آیا نیروهای کُرد را وقتی از شهرِ کوبانی در برابر تهاجماتِ داعش دلیرانه دفاع کردند به‌خاطر دارید؟ اکنون آن‌ها در خطرِ پاک‌سازی¹ توسطِ نیروهای ناتو هستند.

منطقهٔ خودمختارِ کُردهای روژناوا در شمالِ شرقیِ سوریه که کوبانی را هم دربرمی‌گیرد با یک تهاجم تاریخی مواجه شده است. نیروهای نظامیِ ناتو بر روی مرزها [ی سوریه و ترکیه] مستقر شده‌اند و با تمامی تجهیزاتِ

¹ wiped out

پیشرفته‌ای صف‌آرایی کرده‌اند که قدرتِ شلیکِ نابودکننده‌ای دارند و تنها پیشرفته‌ترین نیروهای نظامی می‌توانند چنین تجهیزاتی را به‌کار گیرند. فرمانده ارشد یکی از آن نیروها می‌گوید که آن‌ها می‌خواهند روژناوا را به «صاحبانِ حقیقی اش»^۱ - که به عقیده او عرب‌ها هستند نه کردها- بازگردانند.

بهار گذشته همین فرمانده اعلامیه مشابهی را در مورد غربی‌ترین منطقه گردستان سوریه یعنی عفرین منتشر کرد. سپس، درست همین نیروی نظامی ناتو بود که از تانک‌های آلمانی و هلیکوپترهای آتشیار بریتانیایی استفاده کرد و همزمان مورد حمایت هزاران نیروی کمکی اسلامی قرار گرفت و این منطقه را به تصرف درآورد. براساس اخبار آژانس‌های خبری گردی این تصرف منجر به رانده‌شدن بیش از صد هزار شهروند گرد از شهر عفرین شد. بر اساس گزارش‌ها، نیروهای نظامی ترکیه تجاوز، شکنجه و قتل‌عام را به‌عنوان ابزارهای سیستماتیک «ترور» به‌کار گرفته‌اند. حاکمیت ترور تا به‌امروز ادامه دارد. سردسته همین نیروهای نظامی ناتو اظهار کرده‌است که او قصد دارد آنچه را که بر سر عفرین آورد بر سر بقیه شمال سوریه نیز بیاورد.

صدالبته صحبت من در مورد رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان است؛ کسی که به‌طور فزاینده‌ای به‌دیکتاتور مقتدر ترکیه تبدیل شده‌است. اما باید تأکید کنیم که ترکیه جزء نیروهای ناتو است. این مسئله صرفاً بدین معنا نیست که آن‌ها فقط مقدار زیادی تسلیحات نظامی دارند که مطابق با آخرین

¹ rightful owners

پیشرفت‌های علمی هستند، بلکه بدین معنا نیز هست که تسلیحات‌شان توسط دیگر اعضای ناتو حفظ و نگهداری می‌شود. جت‌های جنگنده، هلیکوپترهای آتشبار، حتی نیروهای زره‌پوش ترکیه که توسط آلمان تدارک یافته‌اند همگی در شرایط جنگی به شدت و به-سرعت تجزیه می‌شوند و از بین می‌روند. افرادی که پیوسته از این تجهیزات مراقبت کرده و قطعاتِ یدکی‌شان را مهیا، تعمیر و تعویض کرده‌اند، در حقیقت پیمان‌کارانی هستند که برای شرکت‌های آمریکایی، بریتانیایی، آلمانی و ایتالیایی کار می‌کنند. حضور آنان بسیار ضروری است چرا که برتری ارتش ترکیه بر «یگان‌های مدافع خلق» (YPG) و «یگان‌های مدافع زنان» (YPJ) -کسانی که از کوبانی دفاع کردند در حالی که ترکیه اعلام به‌نابودی آنان کرد- تماماً به-این افراد وابسته است.

به همین دلیل است که ارتش ترکیه صرف‌نظر از مزیت‌های تکنولوژیکی، یک ارتش نابسامان است. کثیری از بهترین افسران و حتی خلبان‌هایش از زمان کودتای نافرجام ۲۰۱۶ زندانی شده‌اند و اکنون این بخش‌ها توسط فرمانده‌هایی کنترل می‌شوند که بر اساس وفاداری سیاسی و نه شایستگی و لیاقت‌شان گزینش شده‌اند. اما از سویی دیگر مدافعان روزناوا سربازان مجرب و ورزیده‌ای هستند. آن‌ها در یک نبرد منصفانه برای مقابله با هجوم ترکیه مشکلی نخواهند داشت. آن‌ها در گذشته حتی توانسته‌اند نیروهای جهادی مورد حمایت ترکیه را وادار به عقب‌نشینی کنند.

در این مورد یک «نبرد منصفانه»^۱ به معنی دسترسی به سلاح‌های ضد هوایی و ضدتانک است. اما این دقیقاً همان چیزی است که دولت ترامپ را به ترکیه متعهد می‌کند و به گردها اجازه نخواهد داد صاحب چنین سلاحی شوند. حتی آن دسته از نیروهایی که به طور مستقیم با نیروهای آمریکایی و بریتانیایی برای شکست دادن داعش همکاری کرده‌اند، هرگز نتوانستند از تسلیحات دفاعی مورد نیاز برای مقابله با حملات هوایی و زرهی ترکیه استفاده کنند که به شکل گریزناپذیری تداوم دارند. حتی اگر در عفرین جایی برای پیشروی وجود داشته باشد، ممکن است توسط بمب‌های آتش‌زا و خوشه‌ای ترکیه به عقب رانده شود.

لحظه‌ای که نیروهای گُرد به عقب رانده می‌شوند هم‌پیمانان سابق‌شان نشست‌های بامزه‌ای را برگذار کرده و قادر نخواهند بود از آنان در برابر تجهیزات پیشرفته‌ای دفاع کنند که خود بریتانیا و آمریکا برای ترکیه فراهم نموده‌اند.

برای نمونه هنگامی که رسانه‌های غربی به ترکیه می‌پردازند از آن به عنوان دولت سرکشی یاد می‌کنند که فوراً خشم دوره‌ای اش - همانند بمباران‌ها و تخریب شهرهای جنوب شرقی خودش در سال ۲۰۱۵، پاک‌سازی قومی در عفرین و حملاتی به روستاهای عراق - متوجه شهروندان گُرد است. از این رو

¹ Fair fight

باید از این مآله چشم پوشید، صرفاً به این دلیل که مبدا ترکیه با دشمنان غرب نظیر ایران و روسیه کنار بیاید.

در وضعیتی مشابه، وقتی اردوغان ده‌ها هزار نفر از شهروندانش - از جمله معلمان، روزنامه‌نگاران، نمایندگان منتخب مردم- را به‌خاطر اظهار بیاناتی که مورد پسند او نیست بازداشت یا زندانی می‌کند؛ یا حتی وقتی به‌طور عمومی اعلام می‌کند: «اگر ترکیه در برابر اروپاییان قرار بگیرد هیچ شهروند اروپایی در هیچ نقطه از جهان قادر نخواهد بود که با امنیت در خیابان‌ها قدم بردارد.» به نظر می‌رسد کارشناسان و سیاست‌مداران غربی در کمال بی‌تفاوتی در حال سوت‌زدن و نگاه کردن به‌جای دیگری هستند.

اما حقیقت این است که ترکیه اتفاقاً دولت سرکشی نیست. ترکیه عضو ناتو است و نیروهای نظامی‌اش نگهبان بخش شرقی اروپا هستند. پلیس و نیروهای امنیتی‌اش به‌خاطر متوقف کردن عبور پناهندگانی که از جنگ‌های خاورمیانه به اروپا پناه می‌برند - که به‌شکل فزاینده‌ای مشغول گشودن آتش بر روی آن‌ها در مرزها هستند - تأمین مالی می‌شوند، خدماتی که به‌خاطر آن‌ها میلیون‌ها یورو به‌طور مستقیم از سوی اروپا به‌عنوان پاداش نقدی تقدیم‌اش می‌شود.

ترکیه فقط به این دلیل که عضو ناتو است موفق شد در سال ۲۰۰۴ - دقیقاً زمانی که پ.ک.ک از نیاز به دولت مستقل و عملیات تهاجم‌آمیز صرف‌نظر کرد و وارد مذاکرات صلح‌آمیز شد - گریلاهای گُرد حزب کارگران کُردستان را

که برای خودمختاری در جنوب شرقی ترکیه مبارزه می‌کنند در لیست تروریست‌های بین‌المللی قرار دهد. باید متذکر شد که اغلب در میان کشورهای عضو ناتو، همین عنوان «ترور» دلالتی انحصاری دارد. پ.ک.ک. مسلماناً توسط آمریکا، وین یا حتی سویس در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نگرفته است.

آمریکا و قدرت‌های اروپایی فقط به این دلیل که ترکیه عضو ناتو و نگهبان مرزهای اروپا است حمایت خود را از ارتش ترکیه آن هم زمانی اعلام کردند که سرزمین صلح‌آمیز عفرین را با تخطی از تمام قوانین بین‌المللی مورد هجوم قرار داد. از آنجا که ارتش ترکیه این کار را انجام داد، حتی پیشنهاد داد نه تنها جمعیت کُرد را پاک‌سازی قومی می‌کند و به تجربه‌شان از دموکراسی فمینیستی پایان می‌دهد، بلکه همچنین از این منطقه برای اسکان مجدد خانواده‌های شورشیان اسلام‌گرا استفاده می‌کند. در غیر این صورت این امکان وجود دارد که این خانواده‌ها به اروپا پناهنده شوند.

فقط به این دلیل که ترکیه عضو ناتو است مطبوعات غربی احساس می‌کنند موظف‌اند این مضحکه تماشایی را همراهی کنند که گویا ترکیه دشمن داعش است، علی‌رغم اینکه شواهد بی‌شماری از همکاری ترکیه با داعش وجود دارد. این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که تهاجمات ترکیه علیه داعش در سوریه، به شکل گسترده‌ای شامل حق‌السکوت‌هایی بوده است که برای تغییر مسیر به فرماندهان داعش داده شده است.

در نهایت، ما با مانع عجیب و غریب القاعده و جهادی‌های سابق به‌عنوان بخشی از صد هزار نیروی مزدوری مواجه هستیم که در نبرد با یگان‌های مدافع خلق با اردوغان همکاری می‌کنند. علاوه بر این افرادی همانند سیف ابوبکر که هنگام اجرای کشتار مشهور باشگاه شبانه پاریس فرمانده داعش بود اکنون یکی از فرماندهان ارتش آزاد سوریه مورد حمایت ترکیه است. سیف ابوبکر به نوبه خود به دولت فرانسه هشدار داده است که در برنامه‌های ترکیه برای به‌کارگیری نیروهای ناتو به‌منظور نابود کردن دشمنان اصلی و قدیمی داعش یعنی گروه‌ها دخالت نکند. ما تروریست‌ها را به‌صورت موثری با روش اجیرسازی کنترل کرده‌ایم؛ روشی مشابه با آنچه که رم با الاریک (Alaric) یا آمریکا با اسامه بن لادن اتخاذ کرد. و ما می‌دانیم که این روش حقدار خوب جواب داده است.

دشواری درک تمامی این مطالب به این خاطر است که بیشتر ما حتی آنهایی که خود را ضدامپریالیست تصور می‌کنیم فراموش کرده‌ایم که دقیقاً امپریالیسم چگونه عمل می‌کند. بریتانیا اغلب نیروهایش را به‌درون میدان جنگ نبرده است. قدرت‌های ناتو، نیروی امنیتی هم‌پیمان رسمی‌شان - ترکیه - را برای به‌پرواز درآوردن هواپیماهای نظامی ناتو و راندن تانک‌های‌شان و شلیک به‌پناهندگان مجهز و از آن مراقبت می‌کنند. بر اساس گزارش‌ها ترکیه برای به‌انجام رساندن عملیات کثیف خود در پاک‌سازی قومی کردها و حملات ضدانسانی‌شان به‌شیوه‌های یکسانی لشکر و سپاهیان القاعده و داعش را بکار می‌گیرند.

اما بدیل‌هایی وجود دارند. قدرت‌های بین‌المللی توانسته‌اند تحریم‌های ناتو را بردارند، تحریم‌هایی که دست نیروهای گُرد را (که توانسته‌اند داعش را شکست دهند) برای دفاع از خود بسته بود. ادعاهایی وجود دارد برای منطقه بین‌المللی پرواز ممنوع که ترجیحاً زیر نظر سازمان ملل است و توسط قدرت‌های دیگری غیر از آمریکا، همانند فرانسه یا حتی روسیه حمایت می‌شود. این مسئله نیز به ypg و ypj اجازه خواهد داد که در شرایطِ برابری مبارزه کنند. اگر برتری‌های پیشرفته ارتش ترکیه خنثی گردد مدافعانِ روژئاوا کاملاً قادرند با حملات ارتش ترکیه مقابله کنند.

دولت ترکیه در درازمدت مجبور است دست از واکنش نسبت به کسانی بردارد که تصور متفاوتی از چگونگی زیستن دارند؛ ترکیه می‌تواند با تلاش برای کشتار آنان زنده بماند و نیز بیش از هر چیز نیازمند بازگشت به میز مذاکره است. همین مسأله را می‌توان درباره سوریه نیز گفت. جایی که مدل غیرمتمرکز روژئاوا کلید حل تضادهای آن است.

اما هم‌اکنون - در وضعیتی که هر روز هولناک‌تر هم می‌شود- ما در برابر خطری که گُردهای سوریه با آن مواجه‌اند نیازمند پاسخی اضطراری هستیم. و هیچ بعید نیست که ناتو به زودی یکی از فجیع‌ترین نسل‌کشی‌های قرن بیست و یکم را به انجام برساند.

این یادداشت ترجمه‌ای است از:

David Graeber, "America's Kurdish allies risk being wiped out", in Gardien, 1 Feb 2019